

م. ع. اطرافی

امیدها، چالشها، شکست ها و تقلبات انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۳

چهارده جنگ نیابتی در افغانستان طولانی ترین جنگ در سطح منطقه و جهان میباشد که در عصر حاضر دامنگیر مردم و کشور ما شده است که تا امروز با شدت بیشتر در کشور ما ادامه دارد که هر روز مردم ما قربانی میدهند و پایان جنگ هم دور از تصور و دست رسی شده است. با وصف آمد آمد قوت های نظامی امریکا، ایساف، ناتو و بیش از چهل کشور جهان که بخاطر محو تروریسم، کشت و قاجاق مواد مخدر و تقویت دموکراسی، بازسازی و اعمار مجدد افغانستان در ختم سال ۲۰۰۱ به افغانستان آمدند از جانب مردم بحیث فرشته های صلح بدرقه شدند. مردم فکر میکردند که آفتاب صلح افغانستان طلوع کرده دیگر غروب نمیکند. هنوز خوشبینی ها و خوش باوری ها وجود داشت که ابرهای سیاه طوفان زای تروریسم و ضد تروریسم، فساد و مواد مخدر فضا و آسمان کشور ما را با ابر های تیره پوشانید و فضای صاف و گرم کشور ما را بار دیگر تاریک و سرد ساخت. جنگها در افغانستان به طریقه های دیگری سازمان داده شد و سرنوشت مردم و کشور ما بدست ملایک عذاب افتید که بیشترین قربانی ها، تلفات و خسارات را بر مردم عادی و مظلوم افغانستان تحمیل کردند و میکنند. اما کمک های ملیارد دلاری بین المللی و منافع ملی ما را بازیگران داخلی در سازش با بازیگران منطقوی و جهانی ربودند و مردم مظلوم ما را در فقر و امراض تباه کن و امراض روانی رها کردند. امروز کشور ما در یک خلای سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی بسر میبرد که عامل اصلی آن اشتباهات و عدم صداقت دولت مردان افغانستان و بازیگران قدرتمند منطقوی و جهانی و بی اعتنایی مردم میباشد. انتخابات ریاست جمهوری در حالی برگزار میشود که جنگ ترورستی در افغانستان به حمایت مهره های معلوم الحال قومی، شبکات استخبارات جهنمی منطقوی و جهانی با شدت تمام جریان دارد و امنیت کاندیدان و رای دهندگان انتخابات را تهدید میکند. کاندیدان ریاست جمهوری هم امید و پیروزی شان را در ائتلافها و اختلافات قومی بسته کرده اند که بحرانهای پیچیده و خون آشام کشور ما را با ذهنیت، افکار، ایدیولوژی های قومی و شعار های پرزرق و برق تبلیغاتی نمیتوانند حل کنند و در آخر کار وحدت و جبهه متحد ملی ما را هم متضرر میسازند.

۱۱ کاندید ریاست جمهوری با ائتلافهای قومی روی همین امید ها و خوش باوری ها در سراب پیروزی به صحنه مبارزات انتخاباتی گام نهاده اند.

شکست ائتلافهای قومی در انتخابات

بزرگ ترین شکست کاندیدان ریاست جمهوری در این امر نهفته است که آراء مردم را به ۱۱ قسمت تقسیم میکنند که هیچکدام در دور اول انتخابات بدون تقلب بزرگ و یا

معجزه به اخذ آراء بیشتر از ۵۰ در صد موفق نمیشود در نتیجه انتخابات به دور دوم کشانیده میشود. ۹ کاندید در دور اول انتخابات جبرن شکست میخورند و از اشتراک در دور دوم انتخابات محروم و حذف میشوند که موجب شکست، پشیمانی و ندامت خودشان، تضعیف وحدت ملی و مانع ایجاد جبهه متحد ملی و دولت با پایه های وسیع میشود که از نیاز اساسی و اولی کشور ما در شرایط آسیب پذیر کنونی میباشد. دو کاندید ریاست جمهوری که آراء کمتر از ۵۰ فیصد اما بیشتر از دیگر کاندیدان را بدست آورده اند در دور دوم انتخابات شانس اشتراک میابند که یکی شان شکست میخورد. کاندید پیروزمند دور دوم با کمترین آراء اجباری و آراء دست دوم مردم به قدرت میرسد. در نتیجه پایه های دولت اش ضعیف و پشتوانه کمتر مردم را با خود داشته میباشد که به تنهایی هیچ کاری مؤثری در جهت منافع ملی، صلح و ثبات در افغانستان از دست اش ساخته نمیشود و به سرنوشت آقای کرزی دچار میشود. شرایط افغانستان عادی نیست که با انتخابات عادی و تک فردی بحرانهای پیچیده افغانستان حل و فصل شده بتواند. شرایط خاص و بحران زای کشور ما ایجاب می نماید که انتخابات در محور جبهه متحد ملی سراسری و ایجاد دولت با پایه های وسیع باید شکل بگیرد.

برای ۹ کاندید ریاست جمهوری که شکست شان حتمی است دو گزینه وجود دارد. یک - هر کاندید منفرد با یک کاندید دیگر بصورت انفرادی بخاطر منافع شخصی معامله میکند که باز هم پیروزی اش در مخاطره میباشد. دو - همه باهم یکجا متحد میشوند و از بین شان یک کاندید شایسته را انتخاب و برایش رای میدهند که به به پیروزی برسد و جبهه متحد هم به پیروزی میرسد. در طول تاریخ افغانستان، حاکمیت تک قومی رهبری کشور ما را در انحصار خود داشت. در بیش از شش دهه چوکی های دولتی به تناسب اکثریت و اقلیت قومی تقسیم میشد. در ۱۲ سال اخیر دموکراسی قومی در جامعه ما مروج گردید و ائتلاف اقوام در سیاست ظهور کرد و آنرا دموکراسی ملی قلمداد کردند و باز هم چوکی ها به اقوام تقسیم شد. هیچکدام نتوانستند در جهت منافع ملی، وحدت ملی و رفاه اجتماعی حرکت نمایند. ایتلافهای قومی صرفن بخاطر کسب و تقسیم قدرت شکل می گرفت و گرفته است که انگیزه اصلاحات، ترقی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را نداشت و ندارد. اگر احزاب سیاسی هم روی برنامه های قومی و سمتی پایه گذاری شود و یا شده باشد باجریانات عقب گرایی قومی هیچ تفاوتی ندارند.

نظام قوم گرایی در جهان فرسوده شده و در زباله دان تاریخ دفن شده. اما در افغانستان نظام قوم گرایی را با افکار و تخیلات عقب گرا و بنیاد گرایی دینی و مذهبی گره زده اند و به قوم گرایی باور جاودانی داده شده است که در اذهان مردم آنرا القاء کرده و مردم را به آن باور مند ساخته اند تا در فکر تغییر و تحول به نظام و سیستم پیشرو دموکراسی

حزبی و ایجاد جبهه متحد ملی نشوند. تا حاکمیت مطلق کشور و مقام ریاست جمهوری در دست و انحصار قومگرا ها همچنان باقی بماند.

بی هدف و بی جهت نبود که دولت ائتلاف قومی آقای کرزی در قانون احزاب سیاسی افغانستان به ۱۲۰ حزب سیاسی جواز قانونی و فعالیت های سیاسی داده شد که در سطح جهان بی سابقه می باشد. به بهانه حمایت ورشد احزاب با پرداخت پولهای سببایدی به رهبران احزاب مصنوعی تشنت، پراکندگی سازمانی و مرامی را بین احزاب سیاسی و جامعه ما نهادینه ساختند. مشاورین خارجی هم گوشهای شانرا کر انداختند تا تعداد احزاب را به تناسب احزاب کشورهای خود شان مشوره میدادند. در نتیجه یک بی باوری مطلق بین احزاب بوجود آمد و احزاب به ۱۲۰ هدف، مرانامه، برنامه و فرقه ها تقسیم شدند و به جهانیان پیغام دادند که افغان ها منافع شخصی و قومی شان را نسبت به منافع ملی ترجیح میدهند. خارجیا هم که بخاطر منافع بزرگ شان به افغانستان آمده اند از این وضع استفاده ها کردند. کاربُرد کمکهای ملیارد دالری بین المللی را بدون حسابدهی، کشت و قاچاق مواد مخدر، فساد اداری و مالی، رشوت خوری، چور و چپاول معادن گران بها و قابل زود استخراج افغانستان را آزاد گذاشتند. اگر دو الی پنج حزب در قانون اساسی افغانستان محدود ساخته میشد مردم ناگزیر بودند فعالیت های سیاسی و حزبی شان را در محدوده دو و یا پنج حزب سازمان میدادند و جبهه متحد نیرومند سیاسی در جامعه بوجود میامد. از اختلافات نظری، مرامی و عملی در سیاست جلو گیری میشد. انتقال از نظام قوم گرایی به نظام دموکراسی ملی و حزبی با درایت و عقلانیت انجام میشد. با ائتلاف احزاب سیاسی جبهه متحد ملی بوجود میامد و زمینه دولت با پایه های وسیع فراهم میشد. با تأسف زیاد که به قوم گرایی رنگ و بوی دینی و مذهبی داده شده است که گوش، چشم، دست و پای مردم را انچنان بسته کرده که هیچکس نمیتواند در جهت عدالت اجتماعی، تساوی حقوق اتباع کشور، وحدت ملی، نوآوری، ترقی و پیشرفت جامعه و کشور بیاندیشد و قدم بگذارد. برای سرکوب جنبشهای ملی و ترور شخصیت های ملی ترورستان قسی القلب را مغز شویی و تربیه کرده اند که اطفال و نوجوانان معصوم و فریب خوردگان را با بم های انتحاری تجهیز کرده و به کشتار مردم افغانستان میفرستند که این جریان بعد از آمدن مهمانان ناخوانده به افغانستان به اوج خود ارتقاء کرده است. بنابراین صلح، امنیت و ثبات در کشور ما از چالش های بزرگ رئیس جمهور و دولت آینده افغانستان می باشد که به تضرع و زاری از جنگ افروزان بدست آمده نمیتواند. بلکه صلح با قدرت نظامی و پیروزی در جنگ و یا در ایجاد جبهه متحد سیاسی و سراسری ملی و دولت با پایه های وسیع و حمایت اکثریت مردم از دولت ملی در عرصه سیاست ملی با درایت سیاسی تحقق پیدا میکند. دولت های فاسد که با تقلب به قدرت

میرسند فاقد این دو اصل پیروزی در صلح و جنگ میباشند که هیچ کاری مفیدی را به نفع صلح، ثبات و حاکمیت مردم و کشور خود انجام داده نمیتوانند. چالش دیگری که در مقابل کاندیدان ریاست جمهوری قرار دارد عودت و اسکان مجدد مهاجرین افغان از ایران و پاکستان و سایر کشورها میباشد که تابحال در باره شأن خاموشی اختیار شده است. باید از ملل متحد و جامعه جهانی خواسته شود که در عودت و اسکان مجدد مهاجرین، افغانستان را کمک نمایند. تازمانیکه مهاجرین افغان در پاکستان و ایران اقامت داشته باشند، در گروگان شبکات استخباراتی شان قرار داشته میباشند که بحیث نیروی ذخیره و بالقوه در سربازگیری طالبان و ترورستان از ایشان استفاده میشود. جنگ همچنان ادامه پیدا میکند و دولت افغانستان دنباله روسیاستها و فشارهای این دو کشور باقی خواهد ماند و در برابر این دو همسایه افغانستان عاجزانه کرنش خواهد کرد که از آقای کرزی به خلف اش به میراث میماند.

امضاء موافقت نامه امنیتی از چالش های دیگر است که آقای کرزی به خلف اش به میراث میگذارد که در آن خلای بزرگ حقوقی و قانونی وجود دارد بخصوص در بخش امتیازات نامحدود ترافیک زمینی، هوایی و بحری، ورود و خروج و انتقالات ترافیک متذکره و معافیت مالیاتی و عدم صلاحیت و حق نظارت و تفتیش افغانستان بالای محموله های ترافیک متذکره که قوای نظامی و شرکت های استخدام شده امریکا را احتوایمیکند که افغانها بدون اجازه و منظوری نظامیان امریکا ترافیک و محموله های آنها در داخل افغانستان تفتیش و نظارت کرده نمیتواند. مردم هراس دارند که افغانستان حاکمیت ملی خود را بالای ترافیک مواد مخدر، استخراج و ترافیک غیرقانونی معادن خود از دست خواهد داد. تا هنوز متن موافقت نامه امنیتی مراحل قانونی خود را طی نکرده قابل بازنگری، اصلاح و تعدیل میباشد. باید رئیس جمهور جدید افغانستان یک کمیسیون بررسی را از دانشمندان، حقوق و قانون دانان، اقتصاد دانان و سیاست مداران افغانستان تشکیل نماید تا متن موافقتنامه امنیتی را از زاویه منافع مشترک افغانستان و امریکا تدقیق و مطالعه نمایند و منافع مشترک افغانستان و امریکا را در متن موافقتنامه امنیتی متوازن بسازند و بعدن آنها امضاء نماید که نه سیخ بسوزد و نه کباب و دوستی افغانستان و امریکا هم با اعتماد و پایه دار باقی بماند. در غیر آن در شرایط تحمیلی و نارضایتی مردم به احتمال قوی جنگ نیابتی انقلاب و جهاد به شکل دیگری افغانستان را فرا خواهد گرفت که نه به نفع افغانستان، امریکا و ۴۰ کشوری که در افغانستان حضور دارند میباشد.

چالش دیگری که از دولت آقای کرزی بمیراث مانده صدور و توزیع کارت هویت و یا تذکره نفوس میباشد که بالای ذکر نام افغان و نام اقوام، مخالفت های شدیدی جریان دارد که تا بحال حل نشده است. برای حل مسالمت آمیز آن دو گزینه وجود دارد.

گزینه اول با انتخاب و نوشتن مجدد کلمه افغان در کارت هویت و یا تذکره نفوس، اقوام مختلف افغانستان بحیث یک ملت واحد رسمن تسجیل و قانون مند میشوند. با یک ملت شدن افغانها در تذکره نفوس باید بستر قوم گرایی، امتیازات طلبی ها و اختلافات قومی در چوکات اکثریت و اقلیت از بین برداشته شود تا همه افراد کشور از حقوق مساوی و عدالت اجتماعی بر خوردار شوند و قناعت و رضایت همه افراد ملت ما برآورده شود و جامعه ما به حیث یک ملت واحد توسط همه اتباع کشور پذیرفته شود و با قدرت واحد ملی در برابر جنگ افروزان و دشمنان افغانستان با دولت همدست شوند و مشترکن عمل نمایند.

گزینه دوم اینست که در پهلوی کلمه افغان نام قوم هم نوشته شود تا سرجمع نفوس اتباع کشور و هم نفوس اقوام کشور ما بصورت جداگانه نیز معلوم شود که از نیاز اساسی کشور ما میباشد. با این تدابیر، احصایه نفوس کشور و اقوام کشور ما معلوم و تثبیت میگردد. دولت های ائتلاف قومی گذشته افغانستان از سرشماری نفوس طفره رفتند. حدیثیات و گمان زنی ها حاکی از آن است که با سرشماری نفوس راز اکثریت و اقلیت اقوام به مردم آشکار میشود، نقش و امتیازات اقوام در سیاست و جامعه هم تغیر میکند.

چالش دیگری که ایجاد یک دولت متحد ملی را در افغانستان صدمه رسانده تعدد ۱۲۰ حزب سیاسی میباشد. باید قانون احزاب تعدیل شود و تعداد احزاب در قانون جدید به دو الی پنج حزب کاهش و محدود ساخته شود تا احزاب بتوانند نقش شان را در سیاست و رهبری دولت افغانستان با درایت و عقلانیت ایفاء نمایند و از انشعابات احزاب هم جلوگیری شده بتواند. در اینباره کاندیدان ریاست جمهوری خاموش مانده اند، باید تعهدات شان را در این باره به مردم اعلام نمایند.

چالش دیگری که از آقای کرزی به میراث مانده عدم اعمار زیر بناهای اقتصادی و برق وارداتی میباشد که در ۱۳ سال دولت فاسد آقای کرزی نخواست و یا نتوانست که از منابع آبی، حرارتی، بادی و آفتابی و معادن لیتیم خود برای ایجاد دستگاهای تولید برق استفاده نماید و تولیدات برق را در داخل افغانستان سازمان میداد. با پلانهای دسیسه آمیز، افغانستان را بحیث کشور مستهلک و بدون برق داخلی حفظ کردند که همسایه های افغانستان و قدرت های جهانی در تجارت با افغانستان سالانه ملیارد ها دالر منفعت دارند. هرگز نمیخواهند که افغانستان به پای خود ایستاده شود. باید سیاست بازار آزاد کمی تعدیل شود. برای حمایت از صنایع نو پای داخلی در رقابت به بازار آزاد سیاست حمایتی نیز ضمیمه بازار آزاد ساخته شود. در غیر آن صنایع و تولیدات داخلی افغانستان در رقابت به تولیدات خارجی به شکست مواجه خواهد شد و افغانستان بحیث کشور مستهلک برای همیشه باقی خواهد ماند. باید برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی تمام تسهیلات لازم فراهم ساخته شود. خاطرات شرکت چینی سازی شاکر که از لحاظ کمیت،

کیفیت و قیمت با تولیدات چینی جاپان رقابت میکرد با دادن رشوت، پالیسی سازان وزارت تجارت وقت اجازه دادند که شرکت جاپانی قیمت های فروش چینی خود را از قیمت تمام شد شرکت شاکر پایین بیاورد و شرکت شاکر سقوط کرد. دیری نگذشته بود که شرکت جاپانی قیمت های فروش خود را دوباره بلند برد و خسارات خود را به قیمت ور شکسته شدن چینی سازی شاکر جبران کرد. باید مسئولیت سرمایه گذاری ها قانونمند شود که سرمایه گذاران با اطمینان خاطر سرمایه گذاری نمایند تا زمینه کار برای مردم، جوانان و تعلیم یافتگان فراهم شود تا از اعتراضات، تظاهرات و مارشهای بیکاران که در آینده پیش بینی میشود جلوگیری شده بتواند. باید دولت مردان آینده افغانستان و قدرت های خارجی متوجه این مقوله شوند " که به تنگ آمد به جنگ آید". لشکر و خیل تعلیم یافتگان بیکار افغانستان از دولت وظیفه و کار میخواهند که هر سال ده ها هزار دیگر به لشکر بیکاران افزوده میشود و بحیث سیلاب خروشان به حرکت می افتد و همه بند های ریگی و موقتی را از بیخ و بن ویران خواهند کرد و از دولت ضد ملی و تیم فاسد حساب خواهند گرفت.

تقلبات در انتخابات.

در نظامهای آلوده به فساد، رشوت و اختلاس بخصوص در ائتلافهای قومی، مذهبی و نفوذ گروپهای مافیای موادمخدر و مافیای زمین بخاطر کسب و تقسیم قدرت، مداخله و دسایس وسیع استخبارات منطوقی و جهانی درامور داخلی و انتخابات افغانستان، ادامه اوضاع نا بسامان اقتصادی، سیاسی و امنیتی و جنگهای نیابتی و خونین ترورستی و حملات ترورستی و انتحاری امنیت باشندگان کابل و ولایات افغانستان و پروسه انتخابات شفاف را تهدید میکند. در چنین اوضاع و حالات جلوگیری از تقلبات انتخاباتی کار ساده و آسان هم نیست. با آنها نباید آنها امکان نا پذیر پنداشت. اراده و تصمیم قاطع جوانان، زنان، قشور آگاه و قوه چهارم و مسئولیت پذیری جامعه و در مجموع مردم افغانستان اگر بخواهند میتوانند جلو تقلبات انتخاباتی را بگیرند زیرا آراء مردم سرنوشت انتخابات را تعیین میکند. از ترکیب و ائتلاف کاندیدان ریاست جمهوری و معاونان شان معلوم میشود که به نقش قومیت و تیم فاسد دولت در انتخابات کنونی ارجحیت داده شده است که با اصول و معیارهای دموکراسی واقعی و منافع ملی ما در تناقض قرار دارد. در نتیجه یک دولت قوم گرا و یا تقلب کار با آراء کمتر مردم به اریکه قدرت خواهد رسید که با اهداف و منافع ملی افغانستان در تضاد میباشد. چنین دولتی نمیتواند از حاکمیت ملی و مسئولیت معادن تریلیون ها دالری افغانستان دفاع، نظارت و حراست نماید و برنامه های ملی کشور را در عمل پیاده نماید.

اهداف و منافع ملی افغانستان حکم مینماید که تعداد کاندیدان ریاست جمهوری بین سه و یا پنج کاندید باید محدود میشد که نشد تا رئیس جمهور جدید افغانستان به پشتوانه و آراء اکثریت مردم افغانستان و قوت بزرگتر در دور اول انتخابات به پیروزی میرسید و به جهانیان این پیغام داده میشد که مردم افغانستان سرانجام متحد و یک پارچه شده اند و رئیس جمهور جدید افغانستان از موضع قدرت با تروریزم و مداخلات خارجی ها برخوردار میگردد. حال رئیس جمهور جدید افغانستان از موضع ضعف و آراء کمتر مردم با بحرانهای شکننده کشور مواجه میباید. باید تعداد کاندیدان ریاست جمهوری به سه الی پنج کاندید محدود و قانونمند ساخته شود که به منافع ملی کشور ما میباید.

خود ستایی و خوش باوری ۱۱ کاندید ریاست جمهوری و حامیان شان و حرکت به سوی سراب پیروزی، این واقعیت تلخ را نادیده انگاشته اند که در هر حالت ۹ کاندید ریاست جمهوری، با حامیان و رای دهندگان شان بطور معمول در دور اول انتخابات شکست میخورند. که پول مصارف، تلاشها و وقت شان بیجا ضایع گردیده که جز پشیمانی و ندامت دست آورد دیگری نداشته میباشند. به وحدت ملی هم شدید صدمه می‌رسانند. اگر کاندیدان ریاست جمهوری ادامه اشتراک شان را در انتخابات ریاست جمهوری از زاویه منافع ملی، مسئولیت شخصی و تاریخی با درایت و عقلانیت بازرسی نمایند به این نتیجه میرسند که هنوز وقت و فرصت از دست نرفته میتوانند یک جبهه متحد و قویتر را از جمله ۹ کاندیدی که شکست شان حتمیست به نفع یک کاندید شایسته قبل از آغاز رای دهی تشکیل نمایند و یک کاندید را به پیروزی برسانند و دولت جبهه متحد و رهبری جمعی را با پایه های وسیع تشکیل نمایند که از نیاز اولی، اساسی، مبرم و راهبردی کشور ما در این مرحله خاص و حساس تاریخی میباید که خود شان هم در رهبری جمعی شامل میشوند. با چنین تصمیم و فیصله شان قضایا و بحرانهای پیچیده و دسپیس دشمنان افغانستان را با قوت و حمایت بیشتر مردم و رهبری جمعی مقابله و مجادله کرده میتوانند که حتمن پیروز میشوند و نام نیک و عمل نیک شان در تاریخ افغانستان با حروف برجسته و زرین نگاشته خواهد شد. بدیل دیگری در انتخابات جاری برای ایجاد دولت فراگیر با پایه های وسیع و رهبری جمعی وجود ندارد.

کاندید شایسته چنین تعریف میشود که از دانش، شهامت، کفایت، صداقت، مردم دوستی، وطندوستی، درایت و خون سردی سیاسی و سوابق نیک کاری و حساب دهی به مردم برخوردار و به اهداف، وحدت مردم و منافع ملی وفادار و متعهد باشد. دستان اش به فساد و خیانت و خون مردم آلوده نباشد.

مردم نباید رای شان را به کاندیدان ریاست جمهوری متعدد روی انگیزه های قومی، سمتی و آیدیولوژی های ضد وحدت ملی تقسیم نمایند. بلکه آراء شان را به یک کاندید

ریاست جمهوری بدهند که نسبت به دیگران بهتر، برتر و شایسته تر تشخیص میشود که خصلت و اهلیت یک زعيم ملی را هم داشته باشد. درانتخاب کاندید شایسته ریاست جمهوری همه مردم باید به تفاهم و توافق برسند و مشترکاً برای وحدت و ائتلاف کاندیدان ریاست جمهوری کارومبارزه نمایند تا با آراء آزاد مردم به پیروزی برسد. سر انجام این مردم است که با آراء شان رئیس جمهور را انتخاب مینمایند باید رای شان را با شناخت کامل از کاندیدان بدهند. کورکورانه رای دادن و یا از دیگران دنباله روی کردن اشتباه است که تیشه را به پای خود میزنند..

کاندیدان عالی قدر و شکست پذیر! در وحدت و اتحاد تان چندهدف را بدست آورده میتوانید. یکی اینکه ازتقلب ها جلوگیری مینمائید. دوم اینکه اساسی ترین وجایب و وظایف ملی، ایمانی و وجدانی تان را در برابر مردم و وطن خود در این مقطع حساس تاریخی اداء مینمایید. سوم اینکه شکست تان به پیروزی تبدیل میشود که مایه سرافرازی تان در جامعه میشود. چهارم اینکه یک رئیس جمهور وحدت خواه را با رهبری جمعی به قدرت میرسانید که خود شما هم در آن شامل خواهید بود که به مردم حسابه میباشد. خلاء بین ملت و دولت را پُر میسازید و در داخل و خارج کشور از اعتبار ملی و بین المللی برخوردار میگردد. پنجم اینکه پلانهای شوم و دسایس تجزیه طلبان داخلی و خارجی را خنثی و افغانستان را یک ملت واحد میسازید. ششم اینکه علیه فساد، مواد مخدر و سرقت معادن افغانستان و تروریزم به حمایت و پشتوانه مردم با قاطعیت مبارزه و عمل مینمایید. در نتیجه یک فصل نوین و پُر امید در کشور ما آغاز میشود.

جلوگیری از تقلبات.

تفاهم و همکاری صادقانه و نظارت متحد ناظرین، نمایندگان کاندیدان ریاست جمهوری و کارمندان کمسیون مستقل انتخابات میتواند شفافیت انتخابات را تضمین نمایند. در جریان کمپاین انتخاباتی باید کارمندان، ناظران انتخابات و رای دهندگان همه به این امر بزرگ ملی آگاه و معتقد ساخته شوند که این دور انتخابات ریاست جمهوری برای مردم و کشور ما از اهمیت ویژه و سرنوشت ساز برخوردار میباشد. هر نوع تعلل، بی اعتنایی و توقعات بی عمل در شرایط کنونی به شفافیت انتخابات و منافع ملی ما شدیدن صدمه میرساند، شانس پیروزی کاندید ریاست جمهوری فاسد و تقلب کار را قوی تر میسازد. در نتیجه جامعه ما را به بی اعتمادی بیشتر و بحران عمیق تر و خونین تر سوق و درگیر میسازد. باید مردم رای شان را با مسئولیت به کاندید شایسته جبهه متحد بدهند و از تقلبات جلوگیری نمایند.

همزمان موارد و زمینه های تخلفات و تقلبات در انتخابات ریاست جمهوری با در نظر داشت تجارب انتخابات گذشته باید بازرسی و تشخیص گردد که برای کنترل و نظارت آن تدابیر لازم اداری از قبل باید گرفته شود.

تقلبات انتخاباتی در موارد آتی پیش بینی میشود.

الف - تعداد صنادیق رای دهی فرمایش داده شده و وارده از جانب کمیسیون قابل اعتماد تطبیق شود که به سرقت نرسیده باشد. معمولن تقلب کاران یک یا چندین صندوق کارت های رای دهی را در مسیر راه خریداری و یا به سرقت میبرند.

ب - اشخاص و گروه ها بصورت انفرادی و جمعی در چندین سایت رای دهی ثبت نام مینمایند. در یک سایت انگشت شان رنگ میشود اینکه چطور کارتهای رای دهی اضافی را از دیگر سایت ها بدست میاورند باید موضوع جستجو شود.

ج - کارتهای رای دهی اضافی که با تقلب بدست میاورند در صندوق رای دهی کاندید ریاست جمهوری مورد نظر شان در سایت های مختلف انداخته میشود.

د - کارتهای رای دهی مردمان بی نان و بی سرپناه را که تعداد شان از صد هাজার نفر تجاوز میکند به پول میخرند و به نفع یک کاندید در صندوق رای دهی میاندازند.

ه - این احتمال هم نباید نادیده گرفته شود که در جریان تفکیک و حساب کردن کارتهای کاندیدان ریاست جمهوری، کارت کاندید رقیب پیشتر دزدیده میشود.

تعداد سایت های ثبت نام رای دهندگان در سراسر افغانستان از جانب کمیسیون مستقل انتخابات قبلن تعیین و تثبیت میشود. مردم آنجا میروند با ارائه تذکره هویت شان در آن سایتها ثبت نام مینمایند.نمبر تذکره هویت شان نیز درج فهرست ثبت نام میشود. در ختم میعاد ثبت نامها، تعداد مجموعی رای دهندگان برویت لست معلوم میشود که چه تعداد ثبت نام کرده اند. اوراق لست ثبت نامها از جانب ناظران و نمایندگان کاندیدان ریاست جمهوری و کارمندان مسئول انتخابات در سایت با ذکر نام شان امضاء، تصدیق و نشانی میشود. و به مراجع مربوط تسلیم داده میشود.

در روز آغاز رای دهی تعداد صنادیق کارتهای رای دهی در حضور ناظران، نمایندگان کاندیدان ریاست جمهوری و کارمندان مسئول انتخابات سایت مربوطه باز و تعداد کارت ها حساب شود. کارت رای دهی به کسانی داده شود که قبلن در این سایت رای دهی ثبت نام کرده باشد. و درکارت رای دهی شماره ثبت نام رای دهنده نیز ثبت گردد تا حین حساب کارت های رای دهی بین کارتهای اصلی و تقلبی تفیک شده بتواند. به هیچ شخصی دیگری که ثبت نام نکرده باشد کارت رای دهی داده نشود.

در ختم رای دهی راپور مکمل جریان انتخابات به شرح آتی به همکاری یک نماینده ناظرین، یک نماینده کاندیدان ریاست جمهوری و یک نماینده اداره مستقل انتخابات در سایت ترتیب، تصدیق، امضاء و نشانی شود.

شرح راپور از این قرار خواهد بود.

راپور و گذارش جریان انتخابات ریاست جمهوری در سایت () و لسوالی () ولایت ()

مجموع صندوقهای کارت رای دهی که به این سایت تسلیم داده شده (. . . .) صندوق مییاشد که از انجمله (. . . .) صندوق باز شده که حاوی (. . . .) کارت رای دهی مییاشد. (. . .) صندوق باز نشده سر بسته مسترد میشود از جمله (. . . .) کارت رای دهی (. . . .) استفاده شده (. . . .) کارت رای دهی اضافه مانده است که مسترد میشود. تعداد مجموعی ثبت نامها (نفر) تعداد مجموعی رای دهندگان (نفر) تعداد غیرحاضرها (نفر) مییاشد. با این تدابیر جلو تقلبات تا حدودی گرفته میشود.

یک نقل راپور و گذارش جریان انتخابات هر سایت به نماینده هر کاندید ریاست جمهوری، نماینده ناظران و ادارات کمسیون مستقل انتخابات و کمسیون نظارت انتخابات در ولسوالیها، ولایات و مرکز تسلیم داده میشود یک نقل آن ضمیمه صندوقهای سر بسته کارتهای رای دهی بمراجع مربوطه ارسال و تسلیم داده میشود که برویت آن کنترل شده میتواند که چه تعداد کارتهای رای دهی اضافی در صندوق انداخته شده و یا نشده، حجم تقلبات چه اندازه مییاشد. و برویت آن به شکایات کاندیدان شکست خورده نیز پرداخته میشود.

سر انجام این مردم است که سرنوشت انتخابات و ریاست جمهوری را تعیین مینمایند. مردم باید در تمام محلات رای دهی بین خود مشوره نمایند و کاندید شایسته را تشخیص نمایند و برایش رای بدهند. فریب روابط و تبلیغات قومی، نژادی، مذهبی و سمتی را نخورند و از تکرار اشتباهات جلوگیری نمایند. مردم باید به منافع ملت خود رای بدهند نه به منافع قوم. مردم باید به این امر متوجه شوند که در منافع ملت منافع اقوام هم نهفته است اما در منافع قوم منافع دیگر اقوام و ملت تضمین شده نمیتواند. اگر رئیس جمهور و دولت آینده به مراد مردم و منافع ملی به قدرت نمیرسد مردم از خود گله نمایند. مردم باید مسئولیت آراء شان راپزیرند و بعهدده بگیرند.

امید است مردم ما از اشتباهات گذشته آموخته باشند دیگر فریب تبلیغات قومی، نژادی،
سمتی و مذهبی را نخورند و آراء شان را به رضای خداوند و منافع ملی در صندوق
کاندید شایسته جبهه متحد بیاندازند تا موجب اتحاد، وحدت و ایجاد دولت با پایه های
وسیع در کشور شود. ومن الله توفیق .
۲۰ فبروری ۲۰۱۴